

ضرورت برنامه‌ریزی تحقیقات در گستره ملی

احمد سمیعی (گیلانی)*

Namehfarhangestan@gmail.com

چکیده

کارهای پژوهشی در دو گستره آکادمیائی و ملی انجام می‌گیرد که مخاطبان آنها به ترتیب گروه محدود دانشگاهیان و جمیعت وسیع عامه مردم‌اند. در این مقاله، از برنامه‌ریزی کارهای پژوهشی در گستره ملی سخن رفته است. طی آن، دلایل ضرورت برنامه‌ریزی و فواید و مزایای آن بیان و هدف تحقیقات لازمه آن تعیین شده است. برنامه‌ریزی تحقیقات در گستره ملی، از جهت دیگر، مستلزم آن دانسته شده که سوابق و تجارب گذشته مطالعه و از آنها خلاقانه بهره‌جویی شود. ضمناً بر لزوم بررسی فعالیتهای تجدّدطلبان در جنبش مشروطه و روشنفکران در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ در مقیاس ملی و همسویی فیلسوفان و اصحاب دایرةالمعارف در فرانسه قرن هجدهم و متفکران روش در قرن نوزدهم در مقیاس جهانی تأکید و نیز به تحولات شگرف اجتماعی و سیاسی و رشد تصاعدی دانش و فن در قرن حاضر توجه شده است.

کلیدواژه‌ها

برنامه‌ریزی، همسویی، قرن فکری، قرن گاهنامه‌ای، دیرند برگسونی، نهضت روشنگری.

ضرورت برنامه‌ریزی در پژوهش

درباره برنامه‌ریزی کارهای پژوهشی، در مقاله‌ای به نام «ضرورت برنامه‌ریزی تحقیقات ادبی»، (احمد سمیعی گیلانی، نشر دانش، سال بیست و سوم، شماره ۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹) سخن به میان آمد. در آن مقاله، مسئله در محدوده تحقیقات ادبی و در گستره آکادمیائی مطرح شد. حال، در این فصلنامه موضوع را در گستره‌ای دیگر، یعنی گستره ملی، بررسی می‌کنم که با سرنوشت فرهنگی جامعه ما در بُرد وسیع‌تری مطابقت

* عضو پیوسته فرهنگستان ... تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۱

دارد؛ از این رو حساس‌تر و دامنه تأثیر آن بس فراخ‌تر است. تحقیقات آکادمیایی مخاطبان محدود و کمابیش هم‌سطحی دارند و به اعتباری خنثی و بی‌طرف‌اند؛ با صف‌آرایی مخالفان رویارویی خشونت‌آمیزی ندارند؛ بر سر راه آنها موانع جدی وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد می‌توان آنها را دور زد؛ پیامدهای آنها محسوس و قطعی و روشن نیست و از این رو هیچ گروهی نیاز نمی‌بیند که در قبال آنها جبهه بگیرد. در عوض، تحقیقات در گستره ملی مخاطبان نامحدودی دارد و به لحاظ سطح آگاهی دارای تفاوت فاحش است؛ پیامدهای آنها ملموس و برای گروههایی از جامعه تهدیدآمیز است و از این رو مخالف و موافق در قبال آنها جبهه می‌گیرند. این تحقیقات «روشنگر» است و با روشنگری چه بسا منافع طبقه حاکم و عناصر وابسته به آن را در جامعه‌های عقب‌مانده به خطر اندازد؛ در عین حال، به ذائقه قشرهایی از جامعه که با خرافات و فریب‌انس گرفته‌اند و از واقعیات زندگی تلخکام گشته و رمیده‌اند خوش نمی‌آید؛ زیرا آنان نمی‌خواهند درباره علل و اسباب واقعی ناکامیهای خود سخنی بشنوند و در مباحث نظری تلخی آنها را حس کنند و بیشتر به آن رغبت دارند که دست کم در این ساحت، هر چند با دروغ و افسانه و امید واهی، دلخوش باشند. از این رو، آنان نیز که نیروی فشار سهمگینی پدید می‌آورند، در مقابله با افکار روشنگر سد سکندری می‌سازند و یار و یاور قدرتمندانی می‌شوند که مسبب تیره‌بختی و زندگی فلاکت‌بار آنان گشته‌اند. در برابر چنین موانع ریشه‌داری است که برنامه‌ریزی تحقیقات در گستره ملی ضرورت می‌یابد.

اما هر برنامه‌ریزی از جمله برنامه‌ریزی تحقیقات باید با توجه به هدف آن انجام گیرد. هدف در تحقیقات آکادمیایی بالا بردن سطح دانش و گشودن راههای تازه برای مسیر کاروان علم است. اما هدف تحقیقات در گستره ملی بالا بردن سطح آگاهی همه قشرهای جامعه به ویژه قشرهای عقب‌مانده و کاهش عمق شکاف و فاصله فکری میان فرهیختگان و روشن‌اندیشان، از سویی، و ناآگاهان و فریب‌خوردگان، از سوی دیگر، و زمینه‌سازی برای برقراری روابط فکری سالم میان آنهاست.

در شرایط کنونی، جنبه آکادمیایی تحقیقات غلبه تام دارد و چون بی‌ضرر و «معصوم» است، مانعی در برابر آن عکلم نمی‌شود و به تعبیری، می‌خزد و پیش می‌رود. در واقع، هدف آن عموماً کسب امتیاز دانشگاهی است. کمتر تحقیقی دیده می‌شود که نتایج آن با هدف تبلیغ پیام در مقیاس ملی منتشر گردد. مقالات عموماً جنبه صرفاً نظری و تنها در سطح آکادمیایی مخاطب دارد. خوراکی که به قشر ناآگاه جامعه داده می‌شود، غالباً ابتذال‌پرور است با این توجیه که با ذائقه عامه ملایمت دارد؛ در نتیجه، این قشر را در همان سطح فرهنگی نازل نگه می‌دارد. چه بسا قصد و نیت پدیدآورندگان و عرضه‌کنندگان این

خوراک یا حامیان آنها جز این نباشد. این خوراک سرشار از اوهام و خرافات و عناصری است که در نهایت تنها باذروزی زندگی و ظواهر مکرر آن را در بر دارد و نیم و جیبی سطح آگاهی اجتماعی مردم را بالا نمی‌برد. برنامه‌های رسانه‌های پرهزینه نیز، در شاخه‌هایی، از عرضه‌داشت چنین خوراکی معاف نمی‌مانند. برنامه‌های این رسانه‌ها در قشر فرهیخته جامعه مخاطبی ندارند؛ در قشرهای عقب‌مانده نیز، چون هنری در آن به کار نمی‌رود، چه بسا ملال‌آور باشد و اگر رقیبی از جنس خود آن پیدا شود بی‌خردار بماند.

برنامه‌ریزی مزایای فراوان دارد: از انحراف، پیمودن کجراهه‌ها، کوره‌راهها، و دیم کاریها باز می‌دارد؛ جریانهای گوناگون را به مجاری درست هدایت می‌کند و به جریان اصلی که به مقصود می‌پیوندد سوق می‌دهد؛ بهره‌جویی بهینه از امکانات را میسر می‌سازد؛ از اتلاف نیرو و دوباره کاری مصون می‌دارد؛ برای رفع موانع یا دور زدن آنها چاره‌اندیشی سنجیده را اجازه می‌دهد؛ تحقیقات را در چهارچوب منطقی‌تر و کارگشتری جای می‌دهد؛ امکان سنجش و ارزیابی دستاوردها، نقد آنها، کسب تجارب، و پرهیز از تکرار خطاها را به دست می‌دهد؛ شاغولی برای بنای ارکان دستگاه تحقیقاتی و فعالیت مراکز پژوهشی است؛ کوتاه سخن، شرایط نیل به هدف در کمترین مدت را فراهم می‌آورد.

برنامه‌ریزی در گستره ملی مستلزم گشایش مجاری تازه‌ای برای تحقیقات و همچنین عرضه نتایج آنها به زبانی و بیانی ملایم طبع و ذائقه عامه است. در برنامه‌ریزی به خلأها باید توجه داشت؛ از این رو، لازمه آن آگاهی از سابقه موجود و معلوم است. باید دید در گستره ملی چه کارهایی شده است و چه ذخایری وجود دارد، چه تجاربی به دست آمده، در اوضاع و احوال مشابه یا از جهاتی مشابه چه روشهایی اختیار و چه راههایی پیموده شده است. در جامعه ما نهضت مشروطیت و دستاوردها و تجربه‌های مثبت و منفی حاصل آن همچنین فضای اجتماعی و سیاسی سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و ۱۳۵۰ منبع مطالعاتی مهمی است.

در کنار این تجربه‌ها، در مقیاس جهانی و تاریخ تمدن جهان، تجارب ارزشمندی وجود دارد که از مطالعه آنها و بهره‌جویی از آنها بی‌نیاز نیستیم. در انتقال از جامعه قرون وسطایی به جامعه مدرن و همچنین در تبدیل کشورهای عقب‌مانده به پیشرفته در سه قرن اخیر، تجارب پرارزشی وجود دارد که مطالعه آنها و بهره‌گیری از آنها برای ما ضروری است. در اوضاع کنونی، به نظر می‌رسد تجربه جنبش روشنگری در فرانسه خواری مطالعه باشد. از این تجربه در روسیه قرن نوزدهم خلاقانه الهام گرفته شد. جامعه فرهنگی ما می‌تواند از این هر دو تجربه و همچنین از تجارب کشورهای که توانسته‌اند با سرعت کم‌نظیری راه پیشرفت را طی کنند استفاده کند.

ممکن است این اشکال وارد شود که ما در قرن بیست و یکم و در شرایطی به سر می‌بریم که با اوضاع و احوال حاکم در قرن هجدهم فرانسه متفاوت است. اما باید توجه داشت که قرن فکری همواره و در همه جوامع با قرن گاهنامه‌ای مطابقت ندارد. هم‌زمان جامعه‌های قرون وسطایی، برخوردار از تحول کند یا پرشتاب و پیشرفته در جهان وجود دارد در هر یک از این جوامع نیز، لایه‌های اجتماعی متجانس نیستند و به لحاظ فرهنگی کمابیش از هم فاصله دارند. این فاصله و شکاف چون به اندازه‌ای رسد که برقراری ارتباط سالم فکری میان قشرهای جامعه امکان‌پذیر نگردد، بحران و غلیان پدید می‌آید؛ چون جامعه نمی‌تواند بدون برقراری این ارتباط سالم زندگی آرام و متعادلی داشته باشد.

همچنین می‌نماید که جامعه امروزی ما، به لحاظ نامتجانس بودن قشرها از نظر فکری، عقب‌ماندگی قشرهای وسیعی از جامعه و موانعی که بر سر راه ارتقای سطح آگاهی آنها وجود دارد و، از همه مهم‌تر، موقعیت تاریخی کم‌نظیر برای پذیرفتاری تحول شباهتهایی نظرگیر با جامعه قرن هجدهم فرانسه و قرن نوزدهم روسیه داشته باشد. از این رو، بجاست که در این فرصت، تصویری هرچند اجمالی و محلی از نهضت روشنگری در فرانسه ارائه شود.

در تاریخ ادبیاتی که به سال ۲۰۰۷ برای زبان فرانسه منتشر شد، فصلی به جنبش روشنگری در قرن هجدهم و نقش اصحاب دایرةالمعارف در آن اختصاص یافته است. این فصل با گزارش نمایشگاهی نقاشی در موزه لوور آغاز شده است که در سال ۱۷۵۵ در نشریه *مکالمه ادبی*^۱ چنین منتشر شده است:

نقاش جوانی به نام گروز^۲ نخست بار در این نمایشگاه خودنمایی و موفقیت بزرگی کسب کرد. تابلوهای او در مایه ذائقه هنری فلاندری بود. پدر خانواده که برای فرزندش کتاب مقدس^۳ می‌خواند؛ کودکی که روی کتابش به خواب رفته؛ نابینایی فریب‌خورده که دست زنش را گرفته درحالی که خدمتکارش این زن را نوازش می‌کند آثاری از اویند بس دلپذیر، سرشار از صفا و سادگی، بیانگر شهوات و واقعیت. سپس اظهارنظرهایی درباره کار این نقاش و مقایسه آن با کار نقاشی دیگر بدین شرح آمده است:

ذائقه هنری فلاندری حکایت دارد از محیط زندگی مردم و صحنه‌های معیشت روزمره در تقابل با نقاشی تاریخی که وظیفه دارد لحظات قهرمانی تاریخ را دوام بخشد. سه اثر یاد شده متناظرند با سه درونمایه: صحنه‌ای جدی؛ صحنه‌ای خانوادگی؛ و صحنه‌ای

1. *Correspondance Litteraire*

۲. (Jean-Baptiste)Greuze، نقاش و رسام فرانسوی، پیرو استادان هلندی قرن هفدهم.

3. La Sainte Bible

سبک سرانه چه بسا نزدیک به وقاحت و بی‌پردگی. عجب نیست که دیدرو^۱ اولی را برای نقد و بررسی برگرفته باشد. نویسنده^۲ پدر خانواده و گفت و شنود پدری با فرزندش^۳ تنها در سال ۱۷۵۹ است که از نمایشگاههای نقاشی برای دوستش، گریم^۴ سخن می‌گوید. او در این گزارش، چند بار به تابلوی قرائت کتاب مقدس^۵ اشاره می‌کند و آفریننده این اثر هنری را می‌شناساند و لیاقت او و ارزش کار او را می‌ستاید. در قبال اثر دیگری از گروز که به سال ۱۷۶۳ در نمایشگاه عرضه شد به نام عشق به والدین^۶ حاوی صحنه گرد آمدن اعضای خانواده به گرد پیرمردی فلج بانگ تحسین برمی‌آورد و می‌گوید: «این گروز به راستی همان مردی است که خواهان اویم»... دیدرو، در کار گروز، جو عاطفی و ستایش فضایل مردمی را می‌پسندد... قرائت کتاب مقدس در فضایی درونی و خانوادگی برگزار می‌شود که البته پرتجمل نیست اما در آن چیزی هم نیست که حاکی از لثامت و نفرت‌انگیز باشد. سگی با کم‌سال‌ترین فرزند خانواده سرگرم بازی است؛ شش فرزند دیگر دور میزی گرد آمده‌اند که آن را خالی کرده‌اند تا برای کتاب حجیم نظرگیر جا باز باشد. مادر مشغول بافتن است و مراقب ته‌تغاری و پدر می‌خواند و شرح می‌دهد. نقاش ظاهراً لحظه‌ای را شکار کرده که پدر عینک از چشم برمی‌دارد تا آنچه را از خواندنش فارغ گشته شرح دهد و بدین سان مالک خواننده خود می‌شود و در آزادی تعبیر سرمشق فرزندانش - دختران و پسران حیرت‌زده - می‌گردد... آیا عجب دارد که دیدروی کافرکیش با مشاهده این صحنه قرائت متن دینی به شور و شوق آمده باشد...

تابلوی قرائت کتاب مقدس «اثری معارض، اگر نگوییم در مشرب پروتستانی، لاقلاً احتجاجی و حامل ارزشهایی ناساز با مذهب حاکم کاتولیکی به نظر می‌رسد». در اثر دیگری از نیکلا لوپسیه^۷ به نام تابلوی خانواده^۸، کشیشی برای پدر و مادرش انجیل می‌خواند در حالی که کودکی با گربه بازی می‌کند و مادر مراقب اوست. در اینجا، کشیش جایگاه تحمیلی وساطت میان خلق و خدا را بازیافته است و دیدرو فقدان نشانی از نبوغ را در آن تخطئه می‌کند و می‌گوید: «به این چهره‌های سرد و بی‌روح، به کم‌مایگی فکری که در تصویر آنها به کار رفته و به یکنواختی این صحنه باید توجه کرد. این کشیش با

۱. Diderot (Denis)، دایرة‌المعارف‌نویس، فیلسوف، نقاد هنر، ادیب و نویسنده مشهور فرانسوی (۱۷۱۳-۱۷۸۴ م)

۲. منظور از نویسنده، دیدرو است.

۳. *Le pérw de famille* (1785) & *Entretien d'um père avec Ses enfz* (1773)

۴. Grimm (Friedrich Melchior Von) (۱۷۲۳-۱۸۰۷ م)، ادیب آلمانی. وی بیش از چهل سال از عمر خود را در پارسی گذراند؛ با ولتر، دیدرو و روسو دوستی داشت.

۵. *La Lecture de la Bible*

۶. *Piété filiale*

۷. Nicolas Lepicié، (۱۷۳۵-۱۷۸۴ م)، نقاش فرانسوی.

۸. *Tablecm de famille*

دست سخن می‌گوید و به زبان خاموش است». گروز کانون خانواده را به حیث هسته حیات اجتماعی و محل انتقال از پدر به فرزندان همچون نمونه‌ای از تشکل دانش از نسلی به نسل دیگر برای رقم زدن نوید آینده آن‌گونه نشان نمی‌دهد. تابلوی قرائت کتاب مقدس را متذوق توانگری خرید؛ اما نسخه‌های باسمة‌ای آن در میان مردم منتشر شد و مردم نمونه دانشی قرین تقوا را در آن سراغ گرفتند. در این اثر، کتاب مقدس بیشتر متنی است که پدری آن را برای فرزندان شرح می‌دهد، نوشته‌ای است چاپ شده در دست افرادی ساده که خواندن آموخته‌اند و محتوایش را از آن خود می‌کنند. در صحنه مصور، البته مایه‌ای تخیلی وجود دارد و آن تصویر مثالی ملت‌ی است که کار می‌کند و می‌آموزد. فیلسوفی که این پرده نقاشی را تحسین می‌کند آماده است جان‌شین کشیش شود و کتابهایی را در دسترس صنعتگران و کشاورزان بگذارد که زندگی دنیوی آنان را بهبود بخشند و، در فهم بهتر واقعیت، آنان را یاری کنند. دایرة‌المعارفی که دیدرو بیست سال از عمرش را وقف آن کرد^۱ می‌تواند این کتاب مقدس علمانی (لائیک) باشد... به یاد داریم که رابینسون کروزوئه در آنچه از غرق کشتی به جا مانده بود ابزارهایی و نسخه‌هایی از انجیل را یافت. ابزارها کشتی شکسته را یاری می‌کند تا جزیره نامسکون را به تصرف خود درآورد و انجیل به او کمک می‌کند تا درباره حادثه‌ای که برایش روی داده بیندیشد. همچنین خواندن انجیل به صورت ورزش و تمرین استقلال و خودسامانی درمی‌آید.

در همان اوان که گروز صحنه‌های خانوادگی را در آثار خود مصور می‌سازد، رایت آودربی^۲ دو تابلو می‌سازد که در آنها پدر اسرار طبیعت را برای اعضای خانواده یا برای جمعی شرح می‌دهد. در یکی، منظومه ستارگان مصور گشتند که در مرکز آن چراغی نمودار خورشید است و، در دیگری، تنفس و ترکیب هوا به نمایش درآمده است... در یکی جهان و قوانین آن؛ در دیگری حیات و قوانین حیات (Littérature française: dynamic & histoire, tome II, pp. 163-207).

در تابلوی گروز، خواندن کتاب مقدس برای فرزندان یادآور آفت بی‌سوادی است و در عین حال، فراخوانی است برای دانش آموزی؛ و همچنین تفسیر پدر دعوت به تفکر و استقلال رأی است.

باری، روشن‌اندیشان معتقدند که با نظم بخشیدن به مقولات، بازنمودی تازه از واقعیات به دست دهند: از واقعیت قوانین و حکومتها و خلیقات (مونتسکیو^۳)؛ از واقعیت

1. *Encyclopedie ou Dictionnaire raisonne' des sciences, des arts et des me'tiers* (en 17 volumes d'articles et 11 volumes de planches

۲. Wright of Derby (Joseph)، نقاش پرتره و منظره‌ساز انگلیسی (۱۷۳۴-۱۷۹۷).

۳. Montesquieu (Barabn de la Bréde)، فیلسوف، متفکر و حکیم اخلاقی مشهور فرانسوی

(۱۶۸۹-۱۷۵۵).

پدیده‌های طبیعی، ستارگان، کانیها، گیاهان، و جانوران (بوفون)^۱؛ از واقعیت هنرها و حرفه‌ها و صنایع (دیدرو و دالامبر^۲ و همتایان آنان)، آنان در بند آن هستند که با عامه مردم به زبانی خوشگوار و بیانی مطبوع سخن بگویند. برای مثال، مونتسکیو، حتی در اثری گران‌سنگ چون *روح‌القوانین*^۳، بی آنکه از دقت علمی بیان بکاهد، به آن گرایش دارد که عادات و رسوم و قوانین نسقبخش حیات اجتماعی و سیاسی را به زبان در خور هاضمه عامه بیان کند، اندیشه تازه در خواننده پدید آورد و او را به تفکر وادارد. وی در این اثر جدی و سنگین مایه، همان *حلاوت نامه‌های ایرانی*^۴ را حفظ می‌کند. خواهان آن است که خواننده با خواندن این اثر عدالت‌دوست گردد و همان را خواستار شود که در خدای خود سراغ می‌گرفته است.

در جنبش روشنگری، شاهد ترکیب و همسویی معارف و دانش‌هاییم. دایرةالمعارف متفکران و دانشمندان برجسته و آزاداندیش را در یک خانواده معنوی گرد می‌آورد. دیدرو، ولتر^۵ و روسو^۶ با همه جدایی در زاویه دید، در نگاه تازه به جهان و جامعه و در مخالفت با کلیسا هم‌جهت و همگام‌اند؛ آماج تعقیب و آزارند. با تبعید و ممانعت در نشر آثارشان دست به گریبان‌اند، و از حمایت قدرتمندان شیفته بر نهضت فکری فرانسه (فردریک کبیر در آلمان و کاترین کبیر در روسیه) برخوردارند. کلیسا، در قبال تاریخ طبیعی^۷ بوفون، همان حساسیت را نشان می‌دهد که در برابر آثار روسو و ولتر و دیدرو.

در نگاهی به جنبش مشروطه، همین همسویی عناصری را که «منورالفکر» خوانده می‌شوند می‌توان سراغ گرفت. هدفمندی فعالیت‌های تبلیغی آنان مشهود است. در آن مقطع بحرانی تاریخ معاصر، سخنرانی‌های خبری طباطبایی، اشعار ملک‌الشعرا، تصنیفها و ترانه خوانی‌های عارف، افشاگری‌های عشقی، نقاشی‌های کمال‌الملک، آثار داستان‌نویسها و نمایشنامه‌نویسها، مبارزات مسلحانه مجاهدین، همه و همه در خدمت یک هدف - استقلال و آزادی و حکومت مشروطه - در آمده بود. قلم و قدم، خامه و صوت و پنجه هنر، ذوق و فکر، شور جوانان و تدبیر پیران، مجلس و مطبوعات، شهری و روستایی، یکجانشین و ایل،

۱. Buffon (Georges Louis Leclerc, comte de) (۱۷۰۷-۱۷۸۸)، طبیعی‌دان و نویسنده مشهور فرانسوی.

۲. Alembert (Jean Le Rond d')، ریاضی‌دان، فیلسوف و نویسنده مشهور فرانسوی (۱۷۱۷-۱۷۸۳).

۳. *L'Esprit des lois* (1748)

۴. *Lettres persanes* (1721)

۵. Voltaire (Francois Marie Marie Arouet)، فیلسوف و نویسنده مشهور فرانسوی (۱۶۹۴-۱۷۷۸).

۶. J-J Rousseau، فیلسوف و نویسنده مشهور فرانسوی، متولد ژنو (۱۷۱۲-۱۷۷۸).

۷. *L'Histore naturelle* در ۴۴ جلد (۱۷۴۹-۱۸۰۴).

هم‌جهت و همراه و هم‌مقصد شدند و کاخ استبداد را ویران ساختند. چنین جوی در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۵۰ نیز، در جامعه فرهنگی و هنری کشور ما پدید آمد که در آن، نویسندگان و شاعران نواندیش برجسته‌ای ظهور کردند و اوج همدلی و هم‌زبانی آنان در شبهای شعری جلوه‌گر شد که در انستیتو گوته برگزار گردید؛ هرچند تأثیر شگرف آن در جریانهای انقلابی آن زمان در سایه قرار گرفت. می‌توان گفت هفته شعرخوانی انعکاسی جهانی یافت، در آن مقیاس، نشان داد که تجددطلبی دستگاه حاکم چه اندازه نمایشی و تلقی قشر فرهیخته جامعه از آنچه مایه منفی است و حکومتی که بر ارکانی چون مستشاران آمریکایی، جنگ‌افزارهای پیشرفته، ساواک، آزار و شکنجه، و سانسور استوار بوده چه سست و پوشالی است، و از همه خوارسازتر، برای اربابان خارجی خود نیز بی‌مصرف گشته است.

البته، استفاده ما از این تجارب ملی و جهانی باید سنجیده و به مقتضای اوضاع و احوال امروزی و خلاقانه باشد. جامعه امروز ما با جامعه عصر قاجار و حتی عصر پهلوی هم‌سطح و هم‌تراز نیست. تغییر نسبت جمعیت روستایی و شهری، کاهش میزان ارتقای سطح آگاهی کارگران و کشاورزان، بخصوص نسل جوان آنها، افزایش چشمگیر شمار دانش‌آموزان و دانشجویان و دبستانها و دبیرستانها و دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی و فرهنگی، پیشرفت صنعت نشر و افزایش شمار کتابها و نشریات و تنوع آنها، همه و همه، از رشد تصاعدی و بهبود کیفی شئون معنوی جامعه خبر می‌دهند. امکانات از حیث نیروی انسانی دارای مهارت فنی و دانش علمی همچنین تجهیزات فنی و رسانه‌ای تحول عظیمی یافته است.

ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم. انتقادهای اساسی به فیلسوفان و اصحاب دایرةالمعارف را پشت سر گذاشته‌ایم؛ راه آینده را با روشن‌بینی بیشتر می‌توانیم رسم کنیم، بگشاییم و ببینیم؛ در پرتو دانش می‌توانیم دریابیم که عقب‌ماندگی فکری در چه شرایطی رشد می‌کند و آفت‌کش آن چیست.

ما در قرنی به سر می‌بریم که شتاب گذشت زمان دهها و صدها برابر شده است. تحولاتی که با نواخت و ریتم گذشته طی قرن‌ها می‌بایست پدید آید یک‌شبه رخ می‌دهد؛ جوامع قرون وسطایی با شتاب شگفت‌انگیزی به جامعه مدرن بدل می‌شوند؛ قدرتهایی که قرن‌ها با ایستایی ماندگار شده‌اند به کوتاه‌زمانی فرو می‌پاشند؛ اعتقادات دیرین مدروس زیر بهمن حوادث مدفون می‌گردند؛ دیرند برگسونی نه در مقیاس فردی، بلکه در مقیاس جهانی مصداق می‌یابد؛ فناوری جدید قبیله‌هایی فکری و بینشی به وجود آورده که دمام با هم در ارتباط‌اند.

برنامه‌ریزی کارهای پژوهشی در گستره ملی با توجه به این امکانات باید انجام گیرد و برای آن پیدایش سازمانی جدا از مراکز آکادمیائی ضرورت دارد. همچنان‌که اشاره رفت، تحقیقات در گستره آکادمیایی با تحقیقات در گستره ملی از هر حیث متفاوت است. تحقیقات در گستره ملی هدف، وسایل و مُعدات، و موانع خاص خود را دارد. سازمان آن باید خودش خودجوش باشد؛ نطفه آن، به اقتضای زمانه، به طور طبیعی بسته می‌شود. نمونه مینیاتوری نزدیک به آن را می‌توان در نشستهای مشترک اهل ادب، هنر و اندیشه که طی شانزده جلسه (شهریور ۱۳۸۵ - شهریور ۱۳۸۶، ضمیمه شماره ۴۰ نامه فرهنگستان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۹) در فرهنگستان هنر برگزار شد می‌توان سراغ گرفت. در این نشستها، استادان دانشگاهها و محققان مراکز علمی - فرهنگی و ارباب فنون از جمله در رشته‌های ادبی، علوم انسانی، فلسفه و عرفان، علوم ارتباطات، هنر (موسیقی، نقاشی و گرافیک، سینما، تئاتر، خطاطی، و دیگر صنایع) فعالانه شرکت داشتند. تاکنون اجتماعی در این سطح و با شرکت صاحب‌نظرانی در رشته‌های متعدد علمی و ادبی و هنری با این تنوع آن هم طی نشستهایی به این شمار در جامعه فرهنگی ما سابقه نداشته است.

برنامه‌ریزی کارهای پژوهشی در گستره ملی با هدف بالا بردن سطح آگاهی علمی و تلطیف ذوق هنری مردم می‌تواند بر اساس بحث و تبادل نظر در اجتماعاتی مشابه انجام گیرد و موجبات نزدیکی نواندیشان در رشته‌های متعدد و متنوع علوم و فنون و همسویی آنان را در راه سوق جامعه به شاهراه پیشرفت و همپایی با ممالک راقیه فراهم آورد.

منابع

- کاسپرر، ارنست، *فلسفه روشن‌اندیشی*، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۲.
- برلین، آیزیا، *متفکران روس*، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۱.
- Littérature française: dynamique & histoire*, sous la direction de J-Y. Tadie', tome II, X V III^{eme} sie'cle, (Michel Delon), Chapitre III, «Convaincre: le moment encyclopedique», pp. 163- 207.